

توهین به مقدسات مذهبی (کتاب)

نویسنده خلاصه: ابراهیم صالحی حاجی‌آبادی
نویسنده کتاب: ابوالفضل احمدزاده

چکیده

توهین به مقدسات مذهبی مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بین‌المللی نوشته ابوالفضل احمدزاده، اثری است به زبان فارسی که به تحلیل مبانی جرم توهین به مقدسات از منظر فقه، حقوق بشر و حمایت‌های بین‌المللی پرداخته و سپس به بررسی حقوقی این جرم با توجه به قوانین موضوعه در چند کشور می‌پردازد. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع فقهی، قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، ضمن تبیین مفاهیم و مصادیق توهین به مقدسات، راهکارهایی برای کاهش تعارضات و تحقق عدالت کیفری در این حوزه ارائه می‌کند.

نویسنده معتقد است توهین به مقدسات مذهبی از جرایم حساس و چالش‌برانگیز در جوامع اسلامی و بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان است که همواره میان حمایت از ارزش‌های دینی و اصل آزادی بیان، محل تعارض و تضاد بوده است. نویسنده می‌گوید که این پدیده، نه تنها در فقه اسلامی بلکه در حقوق داخلی ایران و نظام‌های حقوقی بین‌المللی نیز جایگاهی ویژه دارد و باید با رویکردی تطبیقی و تحلیلی به آن نگریست.

به گفته احمدزاده، در فقه اسلامی توهین به پیامبران، ائمه و مقدسات دینی، جرم محسوب می‌شود و در برخی موارد مانند سب‌النبی، مجازات حدی حتی تا اعدام دارد. او تأکید می‌کند که سایر مصادیق توهین که به حد دشنام و قذف نرسد، مشمول مجازات تعزیری است و معیار تشخیص مصداق و شدت توهین نیز وابسته به عرف و شرایط زمانی و مکانی است.

نویسنده در ادامه بیان می‌کند که قانون مجازات اسلامی ایران، توهین به مقدسات را هم در قالب جرم حدی و هم تعزیری جرم‌انگاری کرده است. او توضیح می‌دهد اگر توهین به پیامبران، ائمه و حضرت فاطمه(س) همراه با دشنام یا قذف باشد، جرم حدی تلقی شده و مجازات سنگینی دارد؛ اما توهین به سایر مقدسات یا بدون دشنام، طبق ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات، مشمول مجازات تعزیری است. او همچنین به جایگاه این جرم در قوانین مطبوعات و سایر مقررات داخلی اشاره می‌کند.

احمدزاده بر این باور است که در نظام‌های حقوقی غربی، اصل آزادی بیان اهمیت بالایی دارد، اما در مواردی که توهین به مقدسات منجر به تحریک نفرت مذهبی یا اختلال در نظم عمومی شود، محدودیت‌هایی بر آن اعمال می‌گردد. به گفته او، اسناد بین‌المللی نظیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز ضمن تأکید بر آزادی بیان، تبلیغ نفرت مذهبی را ممنوع دانسته و کشورها را موظف به مقابله با آن می‌کند.

نویسنده تأکید می‌کند که تفاوت رویکرد کشورها، ضرورت تعیین ضوابط دقیق برای تشخیص مصادیق توهین و چالش‌های عملی در تعارض میان آزادی بیان و حمایت از مقدسات، از مهم‌ترین مسائل این حوزه است. احمدزاده در پایان کتاب، پیشنهاد می‌دهد که اصلاح قوانین و ایجاد توازن میان ارزش‌های دینی و حقوق بنیادین بشر باید مورد توجه قانون‌گذاران و اندیشمندان قرار گیرد.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب «توهین به مقدسات مذهبی، مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بین‌المللی»، رساله دکتری ابوالفضل احمدزاده پژوهشگر فقه اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه بوده است که به صورت کتاب، توسط انتشارات مجد در سال ۱۴۰۲ش منتشر شده است. این پژوهش به صورت توصیفی با استفاده از منابع درون و برون دینی به استخراج داده‌ها پرداخته و سپس به تحلیل داده‌های استخراج شده اقدام کرده است. کتاب با تقریظ و تأیید ابوالقاسم علیدوست از فقهای حوزه علمیه قم همراه شده است.

ویژگی‌ها

پرداختن به جرم اهانت به مقدسات به عنوان جرم عمومی و دینی که در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ایران به عنوان جرمی مهم و با مجازات‌های مشخص پیش‌بینی شده و تحلیل تطبیقی آن در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل.

تبیین تعارض میان آزادی بیان و حرمت توهین مقدسات و چالش‌های حقوقی و اجتماعی ناشی از تعارض میان حق آزادی بیان و احترام به مقدسات دینی و بیان راهکارهایی برای ایجاد توازن میان این دو حق.

تحلیل فقهی و حقوقی جرم توهین به مقدسات با استناد به منابع فقهی شیعه و اهل سنت، قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی.

کمک به رفع ابهامات قضایی و حقوقی، با توجه به پیچیدگی‌های حقوقی و اختلاف نظرها در تفسیر احکام مربوط به توهین به مقدسات برای راهنمایی قضات، حقوقدانان و پژوهشگران.

توجه به ابعاد بین‌المللی و تطبیقی با بررسی رویکردهای مختلف نظام‌های حقوقی جهان و اسناد حقوق بشری.

توجه به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جرم توهین به مقدسات و ضرورت حفظ احترام متقابل میان ادیان و مذاهب و ارائه راهکارهای عملی برای آن.

ساختار

این کتاب در چهار فصل، چندین مبحث و گفتار سامان‌دهی شده است:

احمدزاده فصل اول را به مفاهیم و پیشینه جرم توهین به مقدسات مذهبی اختصاص داده است. نویسنده در مبحث اول این فصل، به واژه‌شناسی توهین و اقسام آن (ص ۳۶-۴۴)، بیان معنا و مفهوم مقدسات از منظر لغت، اصطلاح و دیدگاه جامعه‌شناسان، فلاسفه اسلامی و فقها (ص ۴۵-۵۹) و تبیین مفهوم مقدسات دین در فقه اسلام و حقوق کامن‌لا پرداخته است. در مبحث دوم نیز موضوع پیشینه حمایت کیفری از مقدسات در تمدن‌های بشری (ص ۶۳-۶۵)، در ادیان وحیانی (ص ۶۶-۸۹)، قوانین موضوعه در ایران، مصر، لبنان، اردن و برخی کشورهای عربی (ص ۸۹-۱۱۴) و در اسناد حقوق بشر (ص ۱۱۵-۱۲۲) به تفصیل بررسی شده است.

در فصل دوم، نویسنده به تحلیل مبانی جرم توهین به مقدسات مذهبی پرداخته است. در مبحث نخست از فصل دوم با عنوان مبانی فقهی، مباحثی چون ارتداد، سب النبی، سب اهل بیت (ع)، سب ازواج نبی، سب انبیاء الهی و سب قرآن مطرح شده است (ص ۱۲۳-۲۲۳). مبحث دوم به مبانی حقوق بشری و حمایت‌های بین‌المللی با عناوینی مانند حفظ کرامت و حیثیت انسان، آزادی عقیده و مذهب، آزادی بیان، بردباری مذهبی و همزیستی مسالمت‌آمیز اختصاص یافته است (ص ۲۲۴-۲۷۷).

فصل سوم به تحلیل حقوقی جرم توهین به مقدسات مذهبی از منظر حقوق کیفری و حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین اختصاص یافته است. نویسنده در بحث حقوق کیفری، موضوعاتی چون عناصر و ارکان جرم توهین به مقدسات و رابطه آن با ارتداد و سب النبی را تشریح کرده و به عنصر مادی و روانی آن اشاره کرده است (ص ۲۷۹-۲۹۷). از دیگر مباحث این فصل، دادرسی و مجازات جرم توهین به مقدسات است که با استناد به قوانین، توضیح داده شده است (ص ۲۹۸-۳۳۹).

در فصل پایانی، مطالعه و بررسی تطبیقی جرم توهین به مقدسات در حقوق ایران، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و رویه قضائی نهادهای اروپایی در چند مبحث و گفتار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است (ص ۳۴۱-۳۷۹).

مبانی جرم توهین به مقدسات مذهبی
احمدزاده برای تحلیل مبانی جرم توهین به مقدسات مذهبی در دو مبحث مبانی فقهی و مبانی حقوق بشری این بحث را پی گرفته است.

مبانی فقهی
نگارنده در چند گفتار به مبانی فقهی مرتبط با جرم توهین به مقدسات از جمله ارتداد، سب النبی و سب امام علی (ع) و حضرت زهرا (س)، سب همسران پیامبر (ص)، سب قرآن و سب انبیای الهی پرداخته است.

ارتداد

نویسنده اولین مبنای فقهی مرتبط با جرم توهین به مقدسات به بحث ارتداد اختصاص داده است. او ضمن بررسی مستندات شرعی، آیات و روایات، با استناد به اقوال فقهای شیعه و اهل سنت، دیدگاه امام خمینی و حکم ارتداد سلمان رشدی، به بیان مبانی امام خمینی و مصادیقی از اهانت به مقدسات که در کتاب آیات شیطانی آمده، پرداخته است (ص ۱۲۵-۱۷۴).

احمدزاده ضمن بررسی آیات درباره ارتداد، با تمسک به گفتار برخی مفسران و تفسیر الفاظی چون ارتداد، قتل و همچنین با در نظر گرفتن سیره نبوی، در نهایت بر این باور تاکید می‌کند که هشدارها و تنذیرهای قرآن در مورد ارتداد، موجب احتیاط و صیانت نسبی مسلمانان در قبال موضع کینه‌ورزانه دشمنان بوده است. از سوی دیگر در هیچ یک از آیات قرآن دلالتی روشن بر احکام و مجازات دنیوی و حقوقی مرتد وجود ندارد و تنها سخن از وعید عذاب در آخرت بیان شده است؛ بنابراین برای اطلاع از احکام مرتد باید به روایات

معصومین مراجعه کرد (ص ۱۳۵-۱۳۶)، از همین روی احمدزاده برای اطلاع از کم و کیف مجازات مرتد به سه دسته از روایات و نیز آراء فقها استناد کرده است (ص ۱۳۷-۱۷۴).

نگارنده با بررسی روایات در جمع عرفی میان آنها معتقد است که به صرف برگشت از اسلام نمی‌توان حکم به ارتداد داد؛ بلکه اگر شخص با علم کامل به حقانیت دین از روی عناد و لجاجت دین را انکار کند مرتد شده و حکم ارتداد را هم فقط حاکم یا دولت اسلامی می‌توان صادر کند. در صدور حکم ارتداد هم باید حکومت اسلامی مصالح را در نظر بگیرد. او در نهایت معتقد است که قدر متیقن در صدور حکم ارتداد و قتل مرتد اختصاص آن به امام معصوم است و با حصول شک در دیگر موارد قاعده درآ جاری می‌شود (ص ۱۴۳-۱۴۵).

نویسنده همچنین با جمع‌بندی نظرات فقها در مورد انکار ضروری دین به این نتیجه می‌رسد که انکار تنها در صورتی که از سر حجد باشد، موجب کفر خواهد شد؛ به این معنا که انکار ضروری دین اگر با انکار رسالت یا الهیت و توحید همراه باشد باعث تحقق ارتداد است.

نگارنده در نهایت به مسئله ارتباط آزادی بیان با ارتداد می‌پردازد و معتقد است اگرچه ممکن است تنافی ظاهری میان آزادی بیان و ارتداد وجود داشته باشد ولی در نهایت با دقت در ادله هر دو مسئله این تنافی قابل رفع است؛ با این توضیح که اگر ترجیح شخصی پس از تحقیق خروج از دین باشد، نباید آن را از حصار حریم خصوصی خود خارج کند به گونه‌ای که برای اسلام و جامعه خطرناک باشد؛ بلکه باید آن را به‌عنوان یک امر شخصی نزد خود نگه دارد (ص ۱۵۲-۱۵۵).

مسئله سب

مبنای فقهی بعدی مرتبط با جرم توهین به مقدسات از نظر نویسنده، مسئله سب است. او ضمن بیان دیدگاه فرق چهارگانه اهل سنت و دیدگاه امامیه، به بررسی آیات، روایات و دیدگاه فقها پرداخته و در پایان به تحلیل و تبیین مبانی امام خمینی در مورد سلمان رشدی اکتفا کرده است (ص ۱۷۵-۲۰۰). به گفته نگارنده، دیدگاه اجماعی در میان فقهای شیعه حکم قتل کسی است که به پیامبر (ص) دشنام دهد؛ البته با وجود ترس بر جان در برخی موارد استثنا وجود دارد (ص ۱۸۵). احمدزاده همچنین با پیشینه‌شناسی سب حضرت علی (ع) و رویکرد معاویه در گسترش سب و لعن آن حضرت، به تحلیل اجمالی روایات و دیدگاه فقهای شیعه در این مورد پرداخته است (ص ۲۰۳-۲۱۳). به گفته او با تحلیل روایات می‌توان حکم به وجوب قتل کسی داد که به امام علی (ع) و دیگر ائمه توهین می‌کند چراکه بر اساس آیه مباهله آن حضرت نفس پیامبر (ص) است و حکم دشنام دهنده به ائمه در حکم دشنام دهنده به پیامبر است (ص ۲۱۱).

احمدزاده گفتارهای بعدی را به سب همسران پیامبر، سب انبیای الهی و سب قرآن و احکام اسلام و سایر مقدسات اختصاص داده و با استناد به ادله قرآنی، روایی و مبانی فقهی، این موارد را تحلیل کرده است (ص ۲۱۵-۲۲۴). او در مورد سب همسران پیامبر (ص) معتقد است اگر سب همسران متوجه شخصیت پیامبر شود همان حکم سب النبی جاری است ولی اگر متوجه پیامبر نباشد حکم قذف جاری خواهد شد (ص ۲۱۶). به باور نویسنده سب انبیای الهی نیز ملحق به سب النبی است چراکه آنان نیز از مقام عصمت برخوردار

هستند (ص ۲۱۸-۲۱۹). او درباره اهانت به قرآن نیز اگر از روی عناد باشد قائل به حصول ارتداد و استحقاق جرم حدی یا تعزیری متناسب شده است (ص ۲۲۲).

نویسنده در نهایت با استناد به سخن صاحب جواهر قائل به تفکیک جرم ارتداد و سب شده است که هر کدام احکام مستقل خود را دارند (ص ۲۲۳).

مبانی حقوق بشری

در مبحث دوم، نویسنده به مبانی حقوق بشری و حمایت‌های بین‌المللی درباره جرم توهین به مقدسات پرداخته است. از نظر نویسنده حفظ کرامت و حیثیت انسان، آزادی عقیده و مذهب، آزادی بیان و همزیستی مسالمت‌آمیز از قواعد حقوق بشری و بین‌المللی در پاسداشت مقدسات مذهبی است. نویسنده ذیل این موضوعات، با توجه به محدودیت‌های آزادی، اعلامیه حقوق بشر، میثاق‌نامه‌های بین‌المللی و شماری از آیات و روایات، درصدد اثبات تحلیل و بررسی حمایت از مقدسات برآمده است (ص ۲۲۴-۲۷۵).

تحلیل حقوقی جرم توهین به مقدسات مذهبی

احمدزاده از منظر حقوق کیفری و حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین به تحلیل و بررسی این موضوع پرداخته است. وی سه عنصر قانونی، مادی و روانی را از ارکان جرم دانسته است (ص ۲۷۹-۲۹۷). او با بررسی قانون مجازات اسلامی به این نکته اشاره می‌کند که در این قانون صراحتاً به جرم ارتداد اشاره نشده؛ بلکه در ضمن قوانین دیگری از جمله ماده ۲۶ قانون مطبوعات آمده است که اگر توهین به دین اسلام در مطبوعات به ارتداد منجر شود این حکم طبق نظر حاکم شرع در حق توهین کننده صادر می‌شود (ص ۲۹۵). نگارنده با توجه به ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی، رابطه میان جرم توهین به مقدسات با سب النبی را رابطه عموم و خصوص مطلق می‌داند (ص ۲۹۸).

نویسنده سپس در بخش دادرسی و مجازات جرم توهین به مقدسات، موضوعاتی چون صلاحیت دادرسی، جایگاه جرم، مرجع تشخیص‌دهنده جرم و تعیین مجازات این جرم را در قانون مجازات اسلامی، تعزیرات و قانون مطبوعات بررسی کرده است (ص ۲۹۸-۳۳۷). به گفته او جرم توهین به مقدسات جرم سیاسی نیست و در عداد جرائم عادی باید رسیدگی شود (ص ۳۰۲). نویسنده مرجع تشخیص این جرم را هم به عرف وانهاده است (ص ۳۰۳).

بررسی تطبیقی جرم توهین به مقدسات

نویسنده بر ضرورت بررسی تطبیقی جرم توهین به مقدسات در نظام‌های حقوقی مختلف اشاره کرده و تأکید دارند این جرم به دلیل حساسیت‌های دینی و اجتماعی، در کشورهای مختلف با رویکردهای متفاوتی مواجه است، لذا شناخت این تفاوت‌ها برای تنظیم قوانین منسجم و هماهنگ اهمیت دارد (ص ۳۴۳-۳۴۴).

به گفته احمدزاده، در ایران و انگلستان، یک دین به عنوان دین رسمی مشخص شده اما سایر عقاید نیز از آزادی برخوردار هستند؛ ولی در ایالات متحده آمریکا، دین رسمی وجود ندارد و شهروندان از آزادی‌های دینی برخوردارند (ص ۳۴۵-۳۴۶). نویسنده تأکید می‌کند که داشتن آزادی، امری متفاوت از توهین به مقدسات است؛ به همین دلیل، در قوانین موضوعه توهین به مقدسات مذهبی به هر شکل محکوم است و در حقوق ایران، مرتکب آن مستحق

مجازات حدی (سب‌النبی) یا تعزیری (حبس، شلاق و جزای نقدی) است (ص ۳۴۸-۳۵۰). همچنین در حقوق ایران، مبنای جرم‌انگاری، فقه امامیه است (ص ۳۵۳)، هرچند عرف و شرایط زمانی و مکانی در تشخیص مصادیق جرم نیز نقش مهمی دارند (ص ۳۵۰).

بر اساس گزارش نویسنده، در حقوق انگلستان، اصل آزادی بیان مورد تأکید است اما به دلیل پیوند دولت و کلیسا، انکار مسیحیت، تثلیث یا خدشه در اعتبار انجیل، جرم توهین به مقدسات و تضعیف اقتدار دولت محسوب می‌شود. به همین دلیل، قوانینی برای مقابله با نفرت مذهبی وضع شده که در مواردی توهین به مقدسات را جرم‌انگاری می‌کند (ص ۳۵۲-۳۵۳). به گفته او در گذشته، مجازات این جرم اعدام یا حبس بود، اما از سال ۱۹۲۲ میلادی آخرین حکم حبس صادر شد و پس از آن، مجازات‌ها به جریمه نقدی تبدیل گردید. این قوانین عمدتاً در قالب منع تحریک نفرت مذهبی و تبعیض تنظیم شده‌اند و توهین صرف به مقدسات، مگر در موارد تحریک خشونت، جرم محسوب نمی‌شود (ص ۳۵۸).

نویسنده با بررسی جرم توهین در حقوق ایالات متحده، به این نکته اشاره می‌کند که در آمریکا آزادی بیان تقریباً مطلق است و توهین به مقدسات معمولاً تحت حمایت متمم اول قانون اساسی قرار دارد و تنها در مواردی که توهین به مقدسات منجر به تحریک خشونت یا تهدید امنیت عمومی شود، محدودیت‌هایی اعمال می‌شود. احمدزاده برای اثبات مدعای خود به بررسی برخی آرای مهم دیوان عالی آمریکا در این زمینه می‌پردازد که نشان‌دهنده اولویت آزادی بیان در این کشور است (ص ۳۶۱-۳۶۲).

بررسی تطبیقی عناصر سه‌گانه جرم توهین به مقدسات نویسنده در ادامه به بررسی و تحلیل ارکان سه‌گانه عنصر مادی، عنصر روانی و عنصر قانونی جرم توهین به مقدسات به صورت مقایسه‌ای در نظام‌های ایران، انگلستان و آمریکا می‌پردازد (ص ۳۶۳).

از نظر نویسنده به کار بردن الفاظ صریح و آشکار در جهت تحقیر و تضعیف و جایگاه دین اسلام، عنصر مادی جرم توهین است؛ البته برخی فقها معتقدند اگر فرد در مقام گفتمان منطقی و اصولی باشد، این الفاظ موجب تحقق جرم نمی‌شود (ص ۳۶۴-۳۶۵). او معتقد است در عنصر روانی، عمد و قصد اهانت شرط تحقق جرم است؛ یعنی مرتکب جرم باید بداند که عملش توهین‌آمیز است و با قصد تحقیر مقدسات آن را انجام دهد (ص ۳۶۶). به گفته او عنصر قانونی جرم با استناد به موادی از قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات و مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ قابل اعمال است؛ بنابراین، از نظر نویسنده جرم توهین به مقدسات در ایران از جرائم مقید است که علاوه بر عمد، علم به قدسی بودن موضوع اهانت نیز لازم است و شامل همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌شود (ص ۳۶۸).

نویسنده پس از تطبیق این سه عنصر در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا، معتقد است که نظام حقوقی ایران برخوردی سخت‌گیرانه و جرم‌انگارانه با توهین به مقدسات دارد، در حالی که انگلستان با معیارهای عرفی و آزادی بیان تعادلی برقرار می‌کند و آمریکا آزادی بیان را بر جرم‌انگاری توهین به مقدسات ترجیح می‌دهد و آن را محدود به موارد تحریک به خشونت می‌داند.

لزوم احتیاط در جرم‌انگاری توهین به مقدسات
احمدزاده بر این باور است در رویه قضائی نهادهای اروپایی، جرم‌انگاری توهین به مقدسات به صورت مستقل و مطلق معمول نیست و بیشتر در قالب محدودیت‌های آزادی بیان و با تأکید بر جلوگیری از نفرت‌پراکنی و تحریک به خشونت بررسی می‌شود. ماده ۲۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) که منع تبلیغ نفرت ملی، نژادی یا مذهبی را مقرر می‌دارد، در رویه قضائی اروپایی به عنوان مبنایی برای محدود کردن آزادی بیان در موارد توهین به مقدسات مورد استناد قرار می‌گیرد. دیوان اروپایی حقوق بشر در آرای خود تأکید کرده است که آزادی بیان باید با موازنه میان احترام به باورهای مذهبی و جلوگیری از نفرت‌پراکنی و خشونت حفظ شود و محدودیت‌ها باید ضروری، متناسب و قانونی باشند. نویسنده برای اثبات این موضوع به آراء متعدد نهادهای قضائی استناد کرده است (ص ۳۶۹-۳۷۷).

نویسنده در نهایت بر این نکته تأکید می‌کند که رویکرد اروپایی محور در تضاد با برخی نظام‌های حقوقی است که توهین به مقدسات را به صورت مطلق جرم‌انگاری و مجازات می‌کنند. در پایان کتاب، احمدزاده ضمن ارائه پیشنهادهایی (ص ۳۷۹-۳۸۷)، از جمله اینکه در خصوص عنصر معنوی جرم، توجه به قصد شخص توهین کننده ضروری است. از سوی دیگر توجه به نقش رسانه‌ای غرب در ایجاد تفرقه و توهین به مقدسات اسلامی و پرهیز از تکفیر مذاهب اسلامی، امری ضروری است. پیشنهاد دیگر احمدزاده، ضرورت انجام مطالعه تطبیقی بین مطالعات اسلامی با اصول و شیوه‌ها و اصول نظام‌های کیفری دنیا تا مسیر استنباط و استخراج احکام به صورت روشمند برای پژوهشگران داخلی و خارجی فراهم آید (ص ۳۸۶-۳۸۷).

